

تحولات یمن؛ ریشه‌ها و روندها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۸

مهرماه ۱۳۹۳

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۴.....	گفتار اول - ژئوپلیتیک یمن.....
۶.....	گفتار دوم - گروه‌ها و احزاب مهم سیاسی یمن.....
۱۰.....	گفتار سوم - فرآیند انقلاب و سرانجام آن.....
۱۴.....	گفتار چهارم - علل بحران در یمن و بررسی تحولات اخیر.....
۱۹.....	گفتار پنجم - حوثی‌ها و نقش محوری در تحولات یمن.....
۲۱.....	گفتار ششم - نقش آمریکا و عربستان سعودی در تحولات اخیر.....
۲۴.....	نتیجه‌گیری.....
۲۵.....	منابع و مآخذ.....



تحولات یمن؛ ریشه‌ها و روندها

چکیده

در میان همه کشورهایایی که در بهار عربی شرکت کردند، یمن بیشترین اعتراض را علیه دیکتاتور خود انجام داد. لکن انقلابیون نتوانستند به نتیجه‌ای که در پی آن بودند برسند. در واقع، به‌رغم تأکید شدید اکثر یمنی‌ها بر تغییر نظام سیاسی با رویکردهای مسالمت‌آمیز و هدف بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی کشورشان، مجموعه‌ای از ساختارها و مؤلفه‌های داخلی و منافع راهبردی بازیگران خارجی مانع از ایجاد دگرگونی‌های بنیادین در این کشور شد و فقط با نوعی توافق در مورد جایگزینی معاون رئیس‌جمهور به‌جای علی عبدالله صالح، یمن وارد مرحله گذار شد. توافق برای کنار گذاشتن صالح و به قدرت رسیدن منصورهادی در انتخاباتی نمایشی از سوی مجموعه‌ای از احزاب و جریان‌های سیاسی موسوم به «دیدار مشترک و دولت یمن» و همچنین بازیگران خارجی به محوریت شورای همکاری خلیج فارس، در واقع توافقی میانه برای حفظ ساختارهای سیاسی و امنیتی موجود با تغییر فردی در رأس هرم قدرت با هدف راضی نگه‌داشتن انقلابیون بود. اما دولت انتقالی نتوانست انتظارات اقشار مختلف جامعه و گروه‌های سیاسی اجتماعی موجود جامعه را برآورده کند و شاهد حذف بسیاری از گروه‌هایی بودیم که تأثیر بسیاری در وقوع انقلاب داشتند. این بی‌عدالتی سیاسی و نیز ناکارآمدی و فساد چشمگیر اقتصادی باعث شد که مجدداً بعد از گذشت حدود ۳ سال از انقلاب قبلی، یمن شاهد تظاهرات گسترده مردمی باشد، مردمی که به دنبال احقاق حقوق پایمال شده خود هستند.

قطعاً بحران حاضر اوضاع یمن را بیش از پیش با مشکل مواجه می‌کند و همچنین عرصه را برای گروه‌های تروریستی چون القاعده بازتر خواهد کرد. دولت یمن باید به جای سرکوب و برخورد شدید با معترضین به خواست ملت خود احترام گذاشته و زمینه روی کار آمدن نمایندگان واقعی مردم را فراهم آورد.

در عین حال باید به این نکته توجه داشت که هویت ملی در یمن با چندین چالش جدی روبرو است. هویت‌های قبیله‌ای، منطقه‌ای و برخی اوقات هویت مذهبی با هویت ملی با یکدیگر رقابت می‌کنند. این وضعیت موجب پراکندگی آرا و نیز مانع از اجماع احزاب و گروه‌های مختلف می‌شود.

مقدمه

یمن یک حکومت ورشکسته است و از نظر امنیتی با مشکلات فراوانی روبرو است. توسعه‌نیافتگی، عدم رشد اقتصادی و فقر اجتماعی موجبات شورش‌های بسیاری شده و بی‌ثباتی در سراسر کشور یک بهشت امن را برای القاعده و دیگر افراط‌گراهای سنی همفکر آنها فراهم آورده است. خیزش‌های مداوم، ضعف دفاعی و اقدامات به اصطلاح ضدتروریستی ایالات متحده، همه و همه در بی‌ثباتی یمن نقش داشته‌اند.

تحولات یمن به واسطه هم‌مرز بودن با عربستان و همچنین قرار داشتن تنگه باب‌المنذب در این کشور، برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز حائز اهمیت است. بیش از ۳/۴ میلیون بشکه نفت روزانه از این تنگه روانه بازار می‌شود. با توجه به چنین اهمیتی بود که برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به رهبری



عربستان و با کمک‌های مستقیم ایالات متحده آمریکا در سرکوب و متوقف کردن اعتراض‌های ضدحکومتی در یمن، به رژیم صالح کمک کردند. اما این کمک‌ها نیز نتوانست مانع برکناری عبدالله صالح از قدرت شود. تداوم اعتراض‌ها در یمن سبب شد با طرح شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا، منصوره‌ادی، که از سال ۱۹۹۴ معاون صالح بود، در انتخاباتی تک‌نامزدی جایگزین عبدالله صالح شود تا شاید شعله‌های آتش انقلاب مردم یمن فروکش کند.^۱ در دوران پس از صالح، یمن به صحنه رقابت بازیگران داخلی و خارجی تبدیل شد. در این میان، شورای همکاری خلیج فارس همسو با منافع آمریکا و با حمایت این کشور تلاش کرد روند و نتیجه تحولات سیاسی - امنیتی یمن را به‌منظور جلوگیری از سرایت موج خیزش‌های مردمی به مرزهای خود، مدیریت کند.

اگرچه انتظارات از یمن بعد از انقلاب بالا بود و عده‌ای امیدوارانه به کنفرانس گفتگوی ملی دلگرم بودند، اما پس از گذشت ۳ سال از خیزش مردمی، یمنی‌ها به هیچ یک از اهداف خود نرسیدند و چشم‌انداز کنونی آینده‌ای مبهم از یمن نشان می‌دهد. کشمکش‌های قدرت در میان متحدان سیاسی پیشین و بروکراسی ناکارآمد کشور به همراه پایین بودن رشد تولید ناخالص ملی، خالی شدن منابع آب و نفت و قیمت‌های ناپایدار نفت برای آینده اقتصادی یمن نشانه خوبی نیستند. ضمن اینکه رئیس‌جمهور جدید در اجرای بسیاری از تعهدات خود همچون تشکیل دولتی متشکل از همه احزاب و گروه‌ها، و نیز حل مشکلات اقتصادی که مدت‌هاست گریبانگیر مردم یمن است و همین‌طور کاهش فساد در دولت، ناتوان بوده است.

هم‌اکنون یمن شاهد درخواست خودمختاری یا جدایی‌طلبی جنوبی‌ها با مرکزیت

۱. سیدرضی عمادی، «باقی منصوره‌ادی و مشکلات نظام‌سازی در یمن» خبر و تفسیر برون‌مرزی، بهمن ۱۳۹۲، news.irib.ir

عدن، قیام شیعیان حوثی در شمال به مرکزیت صعده، قدرت و انعطاف‌ناپذیری دولت مرکزی در صنعا، به همراه تبدیل شدن نواحی بیابانی شرقی به محل تمرکز القاعده شبه‌جزیره عرب می‌باشد که نشان‌دهنده شکاف عمیقی است که در این کشور به وجود آمده است.

به هر حال اکنون درگیری‌ها به اوج خود رسیده و گروه انصارالله رهبری قیام علیه باقیمانده‌های رژیم سابق را بر عهده گرفته است و روزبه‌روز شاهد اوج گرفتن درگیری‌ها و جهت‌گیری سایر احزاب و گروه‌ها و پیوستنشان به مردم هستیم. تظاهراتی که کاملاً مسالمت‌آمیز آغاز شد، بر اثر بی‌تدبیری منصورهادی به یک چالش بزرگ و یک بحران عظیم در کشور تبدیل شد. نهایتاً با موفقیت‌ها و پیشروی‌های انقلابیون، دولت یمن سرانجام مجبور به امضای قرارداد آتش‌بس با آنها شد.

گفتار اول - ژئوپلیتیک یمن

یمن از مناطق حاصلخیز شبه‌جزیره عربستان به‌شمار می‌رود. این کشور به‌دلیل قرار گرفتن در شمال تنگه باب‌المنندب به‌لحاظ راهبردی نیز اهمیتی ویژه دارد که با پیوند دادن دریای سرخ و اقیانوس هند، نزدیک‌ترین آبراهه بین شرق و غرب به‌شمار می‌رود. یمن با تسلط بر باب‌المنندب قادر به کنترل دریای سرخ است و حتی به‌علت در اختیار داشتن جزیره نیز می‌تواند آنجا را ببندد. نزدیکی این کشور به شاخ آفریقا نیز بر حساسیت یمن افزوده است. یمن از شمال با عربستان مرز مشترک دارد؛ از این‌رو، حفظ امنیت آن برای عربستان سعودی اهمیت دارد.



یمن دارای جامعه‌ای قبیله‌ای و دارای طیف وسیعی از جنبش‌های سیاسی اسلامگراست. مسلمانان این کشور عمدتاً شافعیان، زیدیان، اسماعیلیان و امامیان هستند. جمعیت زیدیه ۳۵ درصد، اسماعیلیه ۵ درصد، امامیه از ۲ تا ۸ درصد و باقیمانده شافعی‌مذهب ۵۶ (درصد) هستند.^۱ قبایل، ۸۵ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند و ۱۶۸ قبیله در این کشور وجود دارد.^۲

براساس گزارش سازمان سیا جمعیت یمن به ۲۵/۴ میلیون نفر رسیده است و ۴۲ درصد از این جمعیت کمتر از چهارده سال هستند. همچنین رشد جمعیت یمن به سرعت از منابع غذایی و منابع آبی و توسعه اقتصادی آن فراتر رفته است. صادرات و ذخایر بنزین آن رو به کاهش است، اقتصاد آن تبدیل به یک اقتصاد مواد مخدر شده است و بیشتر جمعیت مذکر آن معتاد به ماده مخدر قات^۳ می‌باشند. این کشور تبدیل به به شاهراهی برای جابجایی مواد مخدر در مرز عربستان سعودی شده است، همچنین مهاجرت غیرقانونی کارگران یمنی به سمت عربستان، منجر به اخراج بسیاری از آنها شده است.^۴

حکومت مرکزی یمن به شدت بی‌ثبات است و نیروهای آن دچار ضعف و شکافی عمیق در ساختار حکومتی شده‌اند. بنابر گزارش‌ها، به‌دلیل بی‌کفایتی دولت یمن، این کشور به محلی مناسب برای گروه‌های تروریستی همچون القاعده در شبه‌جزیره عرب تبدیل شده است. جنگ‌های قبیله‌ای در اقصی‌نقاط کشور در حال وقوع‌اند و جنوبی‌ها

1. <http://www.tebyan-tehran.ir/a.aspx?a=1391040501>

۲. حمید نیکو، «بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلامگرایی در یمن» پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۱.

3. Qat

4. Peter Alsiss, Marissa Allison, and Anthony H. Cordesman, "US and Iranian Strategic Competition in the Gulf States and Yemen" CSIS, November 2011.

خواهان جدایی از شمال‌اند. ۴۰۰ هزار مهاجرت غیرقانونی در سال و وقوع درگیری‌های مرزی باعث شده است که عربستان سعودی در حال ایجاد منطقه امن در امتداد مرز خود از طریق ساخت سدهای بتونی و فنس‌های الکتریکی چند میلیارد دلاری برای جدا کردن دو کشور از هم باشد.^۱

گفتار دوم - گروه‌ها و احزاب مهم سیاسی یمن

یمن کشوری متکثر و متنوع به لحاظ جریان‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی است. چهار نیروی سیاسی اسلام‌گرای مهم وجود دارند: اخوان المسلمین که جنبش اصلاح یمن آن را نمایندگی می‌کند، انصارالله (حوثی‌ها)، جنبش‌های سلفی مختلف و جنبش انصارالشریعه که القاعده آن را نمایندگی می‌کند که اخوان المسلمین از بین اینها در حکومت نفوذ بیشتری دارد.

1. Anthony H. Cordesman, Robert M. Shelala II, and Omar Mohamed, "Yemen and U.S. Security" CSIS, August 8, 2013.



جدول ۱. گروه‌های اسلامگرا در یمن و جهت‌گیری آنها

مخالفت با دیگر گروه‌ها	دوره‌های رویارویی با دولت	وفاداری به نظام حاکم	مشارکت در سیاست حزبی	رهبران یا سازمان‌های اصلی	
بله	خیر	خیر	بله	جماعت یمنی اصلاح (حزب اصلاح)	اخوان المسلمین
بله	بله	خیر	بله	حزب الحق، حوثی‌ها	زیدی‌ها
بله	بله	خیر	خیر	وابستگان به القاعده	گروه‌های جهادی
بله	خیر	بله	خیر	مقبل بن هادی الوادعی (وفات ۲۰۰۱)	سلفی‌ها

به‌طور کلی احزاب و جریان‌های مهم یمن را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

انصارالله (حوثی)

لازم به ذکر است که جنبش حوثی‌ها با تفسیر از مذهب زیدیه در قالب اندیشه الحوثی و برای احیای هویت زیدیه و در واکنش به گسترش اندیشه وهابیت در یمن شکل گرفت و نخستین بار در سال ۱۹۹۱ به‌عنوان جنبش یا سازمان فکری و سیاسی مسلح ابراز وجود کرد و در وقوع انقلاب یمن جزء تأثیرگذارترین نیروها بود.

کنگره ملی خلق (حزب حاکم)

کنگره ملی خلق، حزب سیاسی حاکم در یمن در زمان عبدالله صالح بود که در سال ۱۹۸۲ توسط وی تأسیس شد. خط‌مشی این حزب ملی‌گرایی است و مبتنی بر ایدئولوژی ملی‌گرایی عربی است. در انتخابات ریاست‌جمهوری یمن پس از کناره‌گیری صالح، این حزب از منصوره‌ادی حمایت کرد.

حزب تجمع یمنی برای اصلاح

تجمع یمنی برای اصلاح نمایندگی افکار اخوان المسلمین در یمن را به عهده داشته است. این حزب در سال ۱۹۹۰ تشکیل شده، اما سابقه حضور افکار اخوان المسلمین ریشه‌دارتر از تجمع یمنی اصلاح است. به‌علت همراهی این حزب در دوره‌های مختلف با علی عبدالله صالح، یکی از مشکلات آن پس از پیروزی انقلاب مردمی یمن برکناری صالح بود. در دهه ۱۹۹۰ حزب اصلاح کاملاً در کنار علی عبدالله صالح بوده و از دوره‌های پیاپی ریاست جمهوری‌های وی حمایت می‌کرده است. این حزب در عین حال همواره دارای رابطه نزدیک با عربستان سعودی بوده است. لذا پس از سقوط صالح، در اندیشه جلب حمایت‌های بیشتر آل سعود و تحکیم جایگاه خود برای مصادره انقلاب مسالمت‌آمیز ملت یمن برآمد. مقابله با حوثی‌ها یکی از خوش‌خدمتی‌های این حزب به ریاض برای رسیدن به اهدافش است.^۱

انصار الشریعه (القاعده)

یمن یکی از خاستگاه‌های مهم القاعده و افغان‌های عرب یمن بوده است، فساد حاکم در سیستم سیاسی یمن و آمار فزاینده بیکاری و فقر نیز از عوامل رشد القاعده در جنوب است. با وجود ارتباط نزدیک دو مذهب عمده یمنی‌ها، یعنی شیعیان زیدی و شافعی‌های اهل سنت، جریان‌های سلفی‌گری (وهابی) نیز در یمن دارای پایگاه حمایتی هستند. قسمت جنوبی یمن محل رشد جریان‌های سلفی بوده است. به‌عبارت دیگر، استان‌های لحج و حضرموت دارای بیشترین آمار سنی‌ها با دیدگاه‌های وهابی هستند؛

۱. دیدار «جمال بن عمر» با نمایندگان سلفی‌ها و حوثی‌ها، خبرگزاری فارس، ۲۷ مردادماه ۱۳۹۳.



به ویژه آنکه خاندان بن لادن در استان لحج ساکنند.

احزاب دیدار مشترک

این ائتلاف در سال ۲۰۰۵ توسط پنج حزب مخالف به منظور اثرگذاری بر روند اصلاحات سیاسی و اقتصادی ایجاد شد که حزب اسلامگرای اصلاح و حزب سوسیالیست یمن (متشکل از طرفداران رهبر سابق یمن جنوبی)، حزب الحق، حزب اتحادیه‌گرا و حزب اتحادیه نیروهای مردمی از جمله آنها هستند. در حال حاضر، تشکل دیدار مشترک از مهمترین ائتلاف‌های حزبی در یمن است.^۱

حراک

حراک، جنبشی مردمی در یمن جنوبی سابق است که از سال ۲۰۰۷ ایجاد شده و خواستار جدایی از جمهوری یمن و بازگشت به وضعیت پیش از ۱۹۹۰ به روش‌های مسالمت‌آمیز است. این جنبش که از حمایت بسیاری در جنوب یمن برخوردار است، در دوران پس از صالح تظاهرات گسترده‌ای صورت داده‌اند. منطقه داله پایگاه جنبش حراک است.^۲

۱. نیکو، پیشین.

۲. همان.

گفتار سوم - فرآیند انقلاب و سرانجام آن

جمهوری یمن در سال ۱۹۹۰ از اتحاد یمن شمالی و یمن جنوبی تشکیل شد. یمن شمالی به ریاست علی عبدالله صالح وابسته به غرب و یمن جنوبی نیز وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بود. علی عبدالله صالح که از سال ۱۹۷۸ رئیس‌جمهوری یمن شمالی بود، پس از اتحاد یمن شمالی و جنوبی نیز به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهوری یمن متحد برگزیده شد. عبدالله صالح در دوران ۳۳ ساله قدرت خود، این کشور را در مسیر دیکتاتوری، واگرایی یمن شمالی و جنوبی، جنگ داخلی، وابستگی امنیتی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، افزایش دو برابری جمعیت فقیر و فساد گسترده دولتی قرار داد.

وقوع بیداری اسلامی در تونس و مصر که به برکناری زین‌العابدین بن علی و حسنی مبارک از قدرت انجامید، موجب شد مردم یمن نیز به پیروی از مردم تونس، مصر، لیبی و بحرین اعتراض‌های ضدحکومتی گسترده‌ای علیه حکومت دیکتاتوری این کشور آغاز کنند. پیوستن برخی از مخالفان قدرتمند رژیم صالح به معترضان، سبب افزایش فشار و اعتراض‌های ضدحکومتی در یمن شد.^۱

جنبش حراک و حوثی‌ها که به واسطه هدف مشترکشان مبنی بر تغییرات سیاسی متحد شده بودند به سرعت با «انقلاب جوانان» اعلام همبستگی کردند و به میدان اصلی اعتراضات در پایتخت یمن، صنعا ملحق شدند. گروه‌های اپوزیسیون و اعضایشان از گروه‌های ذی‌نفوذ سیاسی که با صالح مخالف بودند از فرصت استفاده کردند تا بر رژیم

۱. عمادی، پیشین.



فشار وارد کنند. در ماه مارس ۲۰۱۱، که بیش از ۵۰ معترض کشته شده بود، ژنرال علی محسن و صادق الاحمر به طور رسمی به معترضان ملحق شدند. در نتیجه، معترضان بهتر سازمان دهی شدند و از نظر تعداد نیز افزایش یافتند. علی‌رغم وزنی که احزاب دیدار مشترک و مخالفان ذی‌نفوذ به جنبش اعتراضی مستقل اضافه کردند، بسیاری از فعالان سیاسی، مشارکت احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ را با شک و تردید نگریستند. آنها که بخشی از خود رژیم بودند تلاش می‌کردند تا وضعیت را آرام کنند، که بعدها به این افراد ربا‌بندگان انقلاب گفتند.

در آوریل ۲۰۱۱، شورای همکاری خلیج فارس با حمایت سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا آنچه که اقدامات ابتکاری این شورا برای حل بحران و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت شناخته می‌شد را مطرح کرد. تا اکتبر سال ۲۰۱۱، فشارهای بین‌المللی بر روی صالح افزایش یافت تا نقشه راهی که توسط شورای همکاری خلیج فارس طرح‌ریزی شده بود را بپذیرد و این در حالی بود که هم سازمان ملل و هم اتحادیه اروپا تهدید به تحریم کرده بودند. صالح بعد از تضمین امنیت قانونی برای خود و حامیان نزدیکش و بعد از اینکه بر سر جانشین رئیس‌جمهور موافقت کردند و قرار شد عضو کنگره ملی خلق، هادی، به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت انتخاب شود از قدرت کناره‌گیری کرد. این معاهده نهایتاً در نوامبر ۲۰۱۱ در ریاض، پایتخت عربستان سعودی امضا شد.

به‌منظور انجام مذاکره جهت انتقال قدرت، میانجی‌های خارجی به رهبران شناخته شده و نهادهای سیاسی، یعنی کنگره ملی خلق (و از این‌رو صالح) و احزاب دیدار مشترک (و از این‌رو خانواده احمر و علی محسن) روی آوردند. جنبش جوانان که نقش

حیاتی در این ناآرامی‌ها داشته بود نادیده گرفته شد. جنبش حوثی و حراک نیز به‌طور مشابه از این مذاکرات مستثنا شدند. حمایت‌کنندگان از نقشه راه شورای همکاری خلیج فارس تنها با تکیه بر افراد ذی‌نفوذ قدیمی از حفظ سیستم قبلی حمایت کردند، در حالی که مردم درون خیابان‌ها قدرت نفوذشان را در سیاست از دست داده بودند. در سطح افراد صاحب‌نفوذ، که در بالا شرح داده شد، اقدامات ابتکاری شورای همکاری خلیج فارس تقسیم‌بندی‌های جدید را برای قدرت و دستیابی به منابع دولتی امکان‌پذیر کرد. سازمان ملل و حامیان غربی این طرح ابتکاری ادعا کردند که تعهدات بین‌المللی قصد دارد تا به یک انتقال دمکراتیک در یمن دست یابد. از این گذشته، تلاش می‌شود تا از تهدید بی‌ثباتی بیشتر در یمن تضعیف شده جلوگیری به عمل آید که مانع از حضور القاعده در شبه‌جزیره عربستان شود.

در ۲۱ فوریه، یک همه‌پرسی برگزار شد که در آن هادی به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید یمن انتخاب شد در حالی که بیشتر گروه‌های مستقل از جمله انصارالله و حراک این همه‌پرسی را تحریم کردند. بسیاری از فعالین، توافق تقسیم قدرت با حزب کنگره ملی خلق را خیانت به خون‌های ریخته شده برای انقلاب می‌دانستند.^۱

کنفرانس گفتگوی ملی و آثار آن

هدف از برگزاری کنفرانس گفتگوی ملی، جمع کردن نیروهای سیاسی این کشور در کنار هم و تصمیم‌گیری درباره موضوعات مهمی نظیر استقلال جنوب، نقش حقوق

1. Tobias Thiel, "Yemen's Arab Spring: From Youth Revolution to Fragile Political Transition", http://www.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR011/FINAL_LSE_IDEAS_YemensArabSpring_Thiel.pdf



اسلامی، چگونگی مقابله با تروریسم و فقر اعلام شده بود.^۱

از موارد قابل ذکر در این کنفرانس حضور حداکثری حامیان منصورهادی به ویژه در کمیته‌های اصلی بود (کنگره ملی خلق: ۱۱۲ کرسی از ۵۶۵ کرسی؛ اصلاح: ۵۰ کرسی). غلبه حامیان هادی در کمیته‌های اصلی، به‌طور خاص این تضمین را ایجاد کرد که نتایج کنفرانس گفتگوی ملی مطلوب رئیس‌جمهور انتقالی و کمیته بین‌المللی خواهد بود^۲ و همین باعث شد تقاضاهای نمایندگان جنبش جنوبی به کرات نادیده گرفته شود. جنبش جنوبی شروع به فراخوان برای نافرمانی مدنی کرد. بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی باعث تشدید این امر شد که خود به یک جنبش اعتراضی قدرتمند تبدیل گردید که حل‌وفصل نزاع‌ها بر سر زمین در جنوب، بازگشت و پرداخت غرامت برای کارمندان دولتی و افسران ارتشی که به اجبار بازنشست شده بودند و آزادی زندانیان سیاسی را تقاضا می‌کرد.

در نهایت، کنفرانس گفت‌وگوی ملی یمن پس از فراز و نشیب فراوان، توانست در آخرین روزهای قانونی دوران دوساله منصورهادی در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴، ضمن ابقای یک‌ساله وی در قدرت، شکل نظام سیاسی آینده این کشور را حداقل در بعد نظری تعیین کند.

فرجام کنفرانس گفتمان ملی به اهدافش در جهت آشتی دادن گروه‌های درگیر نینجامید. همچنین، دولت صنعا اقدامات اعتمادساز اندکی را انجام داد. از این‌رو، جنبش مردمی به بی‌اعتمادیش ادامه می‌دهد و بر اعتراض و خشونت به‌عنوان استراتژی‌هایی

<http://news.trib.ir/Print.aspx?newsid=43692>

۱. عمادی، پیشین،

2. Mareike Transfeld , “Yemen: GCC Roadmap to Nowhere” SWP(Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs), May 2014.

برای دستیابی به اهدافش تأکید دارد. تاکنون، هیچ یک از شکایت‌هایی که اعتراضات سال ۲۰۱۱ را باعث شد، از جمله فقر، بیکاری مفرط و فساد گسترده مورد رسیدگی قرار نگرفته است. هرچند جنبش‌های مردمی نقش مهمی در ناآرامی‌های سال ۲۰۱۱ بازی کرد، اما دوره انتقال با سلطه گروه‌های قدیمی صاحب قدرت تأثیر سیاسی اندکی از خود به جای گذاشت. مطمئناً این موضوع تصادفی نبوده و علت آن را می‌توان در نقشه راه شورای همکاری خلیج فارس یافت.^۱

گفتار چهارم - علل بحران در یمن و بررسی تحولات اخیر

مردم یمن از یک ماه پیش جنبش اعتراضی و مسالمت‌آمیز خود را بر ضد دولت این کشور آغاز کردند که رهبری این حرکت گسترده مردمی را جنبش انصارالله برعهده دارد. جلوگیری از دخالت خارجی در یمن، مبارزه با فساد حاکم بر دولت، کاهش سریع قیمت سوخت و افزایش سهم قبایل در حکومت خواست معترضان یمنی است.

در ابتدای دوره به قدرت رسیدن عبدالربه منصورهادی، تغییر رئیس‌جمهور باعث تغییرات مهم در ساختار قدرت نشد و این موضوع ضرورت بازسازی انقلاب را در میان بسیاری از اқشار مردمی و گروه‌های سیاسی مطرح کرد. در واقع، انقلاب مردم یمن در مرحله جدید با چالش‌های بزرگی روبرو شد و هدایت کشور به دست رئیس‌جمهور جدید از منظر بسیاری به نوعی ادامه مدیریت بحران عبدالله صالح محسوب می‌شد؛ بدین معنا که منصورهادی در ادامه سیاست‌های صالح با استفاده از حمایت‌های خارجی درصدد

1. Mareike Transfeld , “Yemen: GCC Roadmap to Nowhere” SWP(Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs), May 2014.



حفظ ساختار قدرت و متوقف کردن تدریجی انقلاب است.^۱

این موضوع که گروه‌های خاصی دولت را تسخیر کرده‌اند فاکتور اصلی‌ای بود که منجر به از دست رفتن مشروعیت دولت و پافشاری آن در محروم کردن بسیاری از گروه‌های اجتماعی شد. نخبگان سیاسی در یمن دارای طبیعت حزبی، قبیله‌ای و منطقه‌ای هستند.^۲

یمن در طول شش دهه گذشته همواره با دو چالش داخلی و برون‌مرزی درگیر بوده که این دو چالش تقابل جریان‌های سیاسی وابسته به قبایل را به همراه داشته است. بافت اجتماعی یمن به گونه‌ای است که سران قبایل پرنفوذ، همواره در ساختار حاکمیت نقش پررنگی دارند و معمولاً هر دولتی براساس سهم‌خواهی قبایل شکل می‌گیرد. نیروهای مسلح و سازمان‌های اطلاعاتی یمن براساس شایستگی و توانمندی افراد تشکیل نمی‌شود، بلکه سهم هر یک از قبایل در پیکره این نهادها کاملاً تعریف شده است و هرگونه تغییری در این سهم‌بندی، قطعاً تقابل جریان‌های سیاسی را به دنبال خواهد داشت. چالش دیگری که ساختار سیاسی یمن را همواره مورد تهدید قرار می‌دهد، دخالت عربستان سعودی در مسائل داخلی یمن است، زیرا این کشور به‌عنوان همسایه ثروتمند و قدرتمند یمن در شکل‌گیری نهادهای دولتی نقش دارد.^۳

از دیگر عوامل نارضایتی یمنی‌ها، فعالیت هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا است که با وجود اعتراض مکرر مردم یمن همچنان در این کشور ادامه دارد و در گسترش

۱. یمن؛ بیم‌ها و امیدهای عبور از دوره گذار، ابرار معاصر، ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲.

2 Tobias Thiel, "Yemen's Arab Spring: From Youth Revolution to Fragile Political Transition", http://www.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR011/FINAL_LSE_IDEAS_YemensArabSpring_Thiel.pdf

۳. هانی‌زاده، خبرگزاری ایسنا، ۱۷ شهریور ۱۳۹۳.

ناامنی در مناطق مختلف یمن نقش مهمی ایفا می‌کند.

اگرچه رئیس‌جمهور یمن بارها جمهوری اسلامی ایران را متهم به حمایت از جنبش انصارالله کرده است، اما هیچ مدرک قطعی در رابطه با دخالت جمهوری اسلامی در مسائل داخلی یمن ارائه نداده است و حکومت این کشور در صدد است تا با مطرح کردن ایران به‌عنوان یک تهدید، برای گرفتن کمک‌های خارجی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایالات متحده بهره ببرد.

لازم به ذکر است که مشکلات اقتصادی از مهمترین عوامل بروز اعتراض‌های گسترده ضدحکومتی در یمن است. یمن یکی از فقیرترین کشورهای عربی است. بیش از نیمی از جمعیت یمن زیر خط فقر و با درآمد روزانه کمتر از ۲ دلار زندگی می‌کنند. میزان بیکاری در این کشور حداقل ۳۵ درصد و حداکثر ۵۵ درصد برآورد شده است. بخش زیادی از زیرساخت‌های اقتصادی یمن طی سه سال اخیر آسیب‌دیده است. میزان بی‌سوادی در این کشور نیز در سطح بالایی قرار دارد.^۱

انصارالله از عبدربه منصورهادی، رئیس‌جمهوری یمن خواسته بود تا به نیروهای امنیتی دستور دهد که به اعمال زور علیه تظاهرکنندگان نپردازند. این تشکل همچنین خواهان تشکیل کمیته اقتصادی برای بررسی تصمیمات اقتصادی اخیر دولت شده بود. لکن مذاکرات به نتیجه روشنی نرسید.^۲ عبدالسلام سخنگوی انصارالله، دخالت مستقیم

۱. عمادی، پیشین.

۲. محمد عبدالسلام اظهار داشت: خواسته‌ها شامل این موارد بود که اولاً تخفیف ۲۰ یا ۳۰ درصدی قیمت فرآورده‌های نفتی برای ملت که از نظر اقتصادی به ستوه آمده است کافی نیست. همچنین درخصوص تغییر دولت ما نمی‌خواهیم بار دیگر نظام جدیدی را تولید کنیم، همان‌طور که طرح کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ این کار را انجام دادند، زمانی که سوار بر موج انقلاب شده و دولتی را که براساس نظام سهمیه‌بندی ساخته شده بود ارائه کردند. وی افزود: پیشنهاد می‌دهیم که دولت در تصمیم خود برای افزایش قیمت مواد سوختی تجدیدنظر کرده و طرحی بیش از کم کردن ۵۰۰ ریال ارائه دهد.



سفرای ۱۰ کشور (آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، فرانسه، امارات، بحرین، عربستان، عمان و کویت) را عامل ناکامی مذاکرات اعلام کرد.^۱

معترضان ابتدا در جنوب و سپس در شمال اعتراضات خود را به افزایش قیمت سوخت آغاز کردند. اندکی بعد، اعتراضات جنوب فروخت اما اعتراضات شمال یعنی در مناطق حوثی‌ها نظیر صعده و عمران شدت بیشتری گرفت و زمانی که معترضان پس از دو هفته به خواسته‌های خود نرسیدند و رئیس‌جمهور از موضعی بالا با آنان برخورد کرد، معترضان هم فهرست اعتراضات خود را بیشتر کرده و خواستار استعفای دولت شدند.

معترضان و در رأس آنها حوثی‌ها به رهبری عبدالملک حوثی اعلام کردند که بی‌توجهی دولت به خواسته‌هایشان در چند حوزه باعث اعتراضات آنان شده است. افزایش صد درصدی قیمت سوخت و در نتیجه فشار به طبقات مختلف جامعه بی‌رمق، بی‌نتیجه ماندن نشست‌های کنفرانس ملی گفتگو میان احزاب سیاسی، فساد اداری مالی طبقه حاکم و وابستگی سیاسی آن به برخی قدرت‌های منطقه‌ای باعث به راه افتادن موج دوم اعتراضات شد. رئیس‌جمهور این اعتراضات را دست‌کم گرفت، اما زمانی این موضوع جدی شد که حوثی‌ها ضمن حرکت از صعده، وارد شهر صنعا پایتخت شدند و در مناطق حساس و استراتژیک مستقر شدند.

هم‌زمان با آن، رئیس‌جمهور ناچار به اعزام هیئتی به صعده برای حل‌وفصل امور شد که دو روز مذاکره، بی‌نتیجه ماند و هر چند رئیس‌جمهور با کاهش ۳۰ درصدی قیمت سوخت و عزل دولت موافقت کرد اما در عمل چنین امری محقق نشد. در پی آن،

به‌علاوه اینکه تغییر در دولت باید به‌صورت حرکت به‌سوی شایسته‌سالاری باشد و نه سهمیه‌بندی و یا براساس بازپروری مفسدان، «رئیس‌جمهور یمن، جنبش انصارالله را تهدید کرد»، خبرگزاری تسنیم، ۱۳ شهریورماه ۱۳۹۳.
۱. خروج دو حزب مخالف از مذاکرات با دولت یمن، ۲۴ شهریورماه ۱۳۹۳، <http://javanonline.ir>

اعتراضات در پایتخت شدت بیشتری گرفت و حوثی‌ها توانستند زمینه تعطیلی موقت فرودگاه بین‌المللی را باعث شوند. همسو با این تحرکات درگیری‌های نظامی هم آغاز شد. در صعدہ هم حزب سلفی تجمع حملات خود را به حوثی‌ها آغاز کرد و منازعات و اعتراضات سمت‌وسویی مذهبی گرفت و در حقیقت حوثی‌ها در دو محور وارد منازعه شدند. در پایتخت با دولت و در صعدہ با سلفی‌ها اما در روزهای گذشته اعتراضات به اوج خود رسید و حوثی‌ها توانستند نهادهای حساس و استراتژیکی نظیر مقر نخست‌وزیری، پارلمان، وزارت اطلاع‌رسانی، وزارت بهداشت، مقر تلویزیون، برخی از مقرهای ارتش و بانک مرکزی را در دست گیرند و این امر عملاً به معنای سقوط کشور به دست آنان بود. وزارت کشور هم برخلاف وزارت دفاع نهادهای نظامی خود را به همکاری با حوثی‌ها فراخواند. هم‌زمان با این تحرکات که درگیری‌های شدیدی را در پایتخت به همراه داشت و در آن ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند و رئیس‌جمهور حاضر شد موضع برتری خود را کنار گذاشته و واقعیت موجود را بپذیرد. از این‌رو مذاکرات جمال بن عمر فرستاده سازمان ملل و نمایندگان دولت و معترضان حوثی‌ها نتیجه داد و دو طرف به توافق آتش‌بس دست یافتند.

مواد موافقتنامه صلح به شرح زیر است:

- تشکیل دولت کارآمد طی یک ماه،
- انتخاب دو مشاور رئیس‌جمهور از میان حوثی‌ها و جنوبی‌ها طی سه روز،
- تشکیل کمیته اقتصادی که توصیه‌های آن برای دولت الزام‌آور باشد،
- تعهد دولت به عمل به مبارزه با فساد اداری و دولتی،
- مشارکت تمامی احزاب برای برگزاری انتخابات همه‌پرسی قانون اساسی،



- تشکیل کمیته مشترک با حوثی‌ها برای رسیدگی به مسئله صعده،
- حل‌وفصل اوضاع امنیتی در استان‌های صنعا، مأرب، عمران و جوف،
- برچیدن تمامی چادرهای نصب شده در نزدیکی اماکن حساس،
- تعیین بهایی جدید برای فرآورده‌های نفتی.

حوثی‌ها نیز هر چند می‌توانستند در سایه کنترل نهادهای مهمی نظیر رادیو، تلویزیون، بانک مرکزی، دولت و پارلمان، نظامی جدید را اعلام نمایند، اما پس از تحقق این توافق، از این اماکن حساس خارج شدند و آنها را به دست دولت سپردند. توافقتنامه آتش‌بس میان حوثی‌ها و دولت در یک بخش و مجموعاً شامل ۲۷ بند می‌شد که اوضاع را تا حدی آرام می‌کرد.^۱

گفتار پنجم - حوثی‌ها و نقش محوری در تحولات یمن

مردم یمن عمدتاً سنی و پیرو مذهب شافعی هستند، اما حدود یک‌سوم جمعیت این کشور شیعه زیدی، هستند. براساس سنت زیدی، حکومت سیاسی محدود به طبقه سادات می‌باشد، که از نواده‌های حضرت محمد (ص) هستند. انقلاب سال ۱۹۶۲ حکومت دینی سادات را سرنگون کرد و حکومتی جمهوری را ایجاد کرد که در آن سادات از هیچ امتیازی برخوردار نبودند. صالح و پیشینیانش، و نیز رهبران با نفوذ قبایل، علاقه‌ای به تأکید بر هویت مذهبی جداگانه نداشتند، که این هویت قدرت را به طبقه‌ای محدود می‌کند که آنها بخشی از آن نیستند و انقلاب را علیه رهبران ظالم مشروع

می‌سازد. در عوض آنها گسترش تفسیرهای مؤکد از اسلام اهل سنت که به‌طور خاص در عربستان سعودی تبلیغ می‌شد، از قبیل سلفی‌گری را تشویق می‌کردند. نارضایتی در برابر تأثیر این چنین ایدئولوژی‌هایی، همراه با حاشیه‌نشینی اجتماعی، منجر به ایجاد مقاومت در برابر دولت مرکزی در استان صعده شمالی از اوایل سال ۲۰۰۰ شده بود. این مقاومت ماهیت جنبش‌های طرفدار احیای مذهب زیدی را به خود گرفته است که به تأسی از نام اولین رهبرش، حسین بدرالدین الحوثی نامگذاری شده است. مخالفت حوثی‌ها با سیاست خارجی یمن و اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی مناطق شمالی این کشور باعث شد که در سال ۲۰۰۳، حوثی‌ها در مقابل سفارت آمریکا در صنعا، در اعتراض به جنگ علیه عراق، به تظاهرات گسترده‌ای دست زنند. از آن زمان دستگیری فعالان حوثی شروع شد و با تلاش نیروهای امنیتی برای دستگیری حسین الحوثی، در سال ۲۰۰۴، درگیری دولت با حوثی‌ها تبدیل به جنگی تمام‌عیار شد. از آن سال تاکنون، یمن شاهد شش دور درگیری بوده است که هر دور آن از ادوار سابق شدیدتر و با تلفات بیشتری همراه بوده است. عربستان سعودی در دوره ششم این درگیری‌ها علیه آنها وارد عمل شد.

حوثی‌ها بعد از بیداری اسلامی و امواج آن، برای کناره‌گیری صالح تلاش کردند تا شرایطی ایجاد کنند که بتوانند در قالب یک حزب سیاسی، از منافع و فرهنگ خود، به‌عنوان یک اقلیت، دفاع کنند؛ اما این شرایط در یمن ایجاد نشد و متأسفانه انقلاب مردم یمن توسط عربستان مصادره شد. یعنی انقلابی که به سمت تشکیل حکومت و برقراری نظام جدید حرکت می‌کرد، به ناگاه به سوی نوعی رفرم حرکت کرد و مهره‌هایی جایجا شدند و همان مناسبات باقی ماند.



حوثی‌ها به دلیل عقاید اصولی خود خطر بالقوه‌ای برای سیاست‌های عربستان، آمریکا و غرب در یمن بوده و دارای موقعیت خوبی در سایر بخش‌های یمن شده‌اند.^۱ در بهار ۲۰۱۴، جنبش حوثی به حومه صنعا رسید و نگرانی حاکمیت درخصوص احتمال کشیده شدن نزاع‌های خشونت بار به درون پایتخت را برانگیخت. جنبش حوثی با هدف تضعیف خانواده آل احمر به دنبال کنترل این مناطق بوده و از آن به‌عنوان اهرم اعمال فشار در سطح سیاسی استفاده می‌کند.^۲

در یک‌ماه اخیر درگیری‌ها با دولت مرکزی و شبه‌نظامیان تکفیری، وارد مرحله تازه‌ای شد. از آنجا که برخی احزاب و شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی بعد از برخورد نامناسب دولت با معترضین به سمت انصارالله گرایش پیدا کردند، موقعیت این گروه تقویت شد.

گفتار ششم – نقش آمریکا و عربستان سعودی در تحولات اخیر

یمن کشوری ضعیف و تجزیه شده به نظر می‌رسد، کشوری که با عربستان سعودی هم‌مرز است و با سیاست‌های اشتباه آل سعود که از چندین دهه قبل در این کشور دنبال شده، رو به سوی درگیری‌های مسلحانه و قبیله‌ای پیش می‌رود. در جریان انتقال قدرت در یمن، عربستان سعودی مهمترین بازیگر صحنه بود و «حوثی‌های شیعیان را که سال‌ها خارج از چرخه قدرت بودند بار دیگر به حاشیه راند.

۱. نگاه جریان‌ها به رویکردهای شیعیان و جنبش انصارالله در یمن، ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۲.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921212000244>.

2. Mareike Transfeld, "Yemen: GCC Roadmap to Nowhere" SWP(Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs), May 2014.

دلیل این امر آن است که عربستان همواره نسبت به ورود «حوثی»‌های شیعه به چرخه قدرت به شدت حساس است.

عربستان از زمان شکل‌گیری جنبش شیعیان صعده و متحد شدن قبایل شیعه در استان‌های صعده و آل عمران با ظرافت بیشتری این تحولات را پیگیری کرده است. از دیدگاه سعودی‌ها، شیعیان صعده خطر و مانعی جدی برای وهابیت به‌شمار می‌روند. از جنگ چهارم حوثی‌ها در سال ۲۰۰۴، آل سعود متوجه نفوذ و تأثیرگذاری شیعیان در تحولات داخلی یمن و مناطق مرزی عربستان شدند. اقدام نظامی عربستان علیه حوثی‌ها در جنگ ششم به این دلیل صورت گرفت که این کشور احساس کرد ممکن است بحران داخلی یمن به این کشور منتقل شود، زیرا استان‌های شیعه‌نشین عربستان (جازان و الشریقه) در مجاورت مرز یمن قرار دارند. در واقع، محور سیاست سعودی‌ها در یمن، برقراری ارتباطی قوی با رهبران اپوزیسیون حزب اسلامگرای اصلاح یمن برای کنترل اوضاع آن کشور پس از کناره‌گیری صالح و نیز عدم سرایت ناامنی به عربستان است. نگرانی جدی عربستان پس از کناره‌گیری صالح، تحقق مردم‌سالاری و الهام‌بخش شدن آن برای مردم این کشور و سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است.^۱

ایالات متحده نیز چندین بار کمک‌های نظامی و تیم‌های مشاوره نظامی خود را به یمن ارسال کرده است پس از اینکه در زمان تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، یمن طرف عراق را گرفت، آمریکا حمایت نظامی خود از یمن را متوقف کرد، اما از زمان حمله القاعده به ناو «یو اس اس کول» در بندر عدن در سال ۲۰۰۰، همکاری با یمن را در جهت مبارزه با تروریسم آغاز کرد.

۱. نیکو، پیشین.



ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ رسماً همکاری استراتژیک خود با یمن را از سر گرفت. این استراتژی اساساً سه لایه بود که بر روی نبرد با القاعده در کوتاه‌مدت، افزایش همکاری توسعه برای پرداختن به چالش‌های بلندمدت و ترتیب حمایت برای تلاش‌های جهانی برای ثبات یمن متمرکز شده بود. واشنگتن همچنین تیم‌های مشاور و تیم‌های کمک به ضدتروریسم و ضدشورش را از سال ۲۰۱۱ اعزام کرد، که شامل پرسنل اعزامی از سیا و ستاد فرماندهی عملیات ویژه آمریکا (JSOC) بودند که از وسایل نقلیه هوایی زرهی بدون سرنشین استفاده می‌کردند.^۱

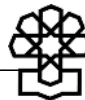
حمایت ایالات متحده از عربستان سعودی و دولت‌های حاضر در پیرامون خلیج فارس برای رقابت بیشتر با ایران یک رابطه بنیادی است که رقابت ایران - ایالات متحده را در خلیج فارس پیش می‌برد. همین‌طور دخالت عربستان سعودی و آمریکا در امور داخلی یمن از عوامل مهم در وقوع نارضایتی بین اقصای مختلف این کشور است. ریاض و واشنگتن به واسطه منافعی که در یمن دارند خواستار تشکیل دولت قوی و برگزاری انتخابات واقعی در این کشور نیستند. آل سعود در هیچ کشور عربی برگزاری انتخابات را در راستای منافع خود نمی‌داند. این راهبرد در یمن به واسطه هم‌مرز بودن آن با عربستان از شدت بیشتری نیز برخوردار است.^۲

1. Cordesman, shelala and Omar Mohamed, " OP.Cit.

۲. عمادی، پیشین.

نتیجه‌گیری

یمن با مشکلات ساختاری بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کند. حکومت سرکوبگر و غیرملی، حس قیومیت و شیوع فساد؛ فقر به همراه نیروی کاری بدون مهارت؛ کمبود مواد غذایی، فعالیت‌های تشدید شده به وسیله نظامیان سنی؛ افزایش تعداد آوارگان آفریقایی و تهدید اقتصادی دزدان سومالیایی از جمله این مشکلات هستند. همان‌طور که انتظار می‌رفت در چنین شرایطی نارضایتی عمومی از توسعه سیاسی و اقتصادی یمن افزایش یافت. حوثی‌ها با در نظر داشتن بی‌نتیجه ماندن انقلاب قبلی خود و مشاهده فساد حاکم در درون حکومت به خیزشی مجدد برای اصلاح حکومت دست زدند. اراده قاطع آنها دولت مرکزی را بیش از گذشته متوجه قدرت بالای این گروه کرد و نهایتاً مجبور به شناسایی اهمیت و اعتبار آنها در معادلات سیاسی یمن شد. استعفای نخست‌وزیر و نیز امضای توافقنامه با حوثی‌ها توسط رئیس‌جمهور خود مؤید چنین ادعاهایی است. با این حال دولت یمن باید در نظر داشته باشد که فضای سیاسی جدید این کشور تفاوتی آشکار با دوران قبل دارد. شرایط جدید حاکی از ضرورت به رسمیت شناختن مطالبات سیاسی و خواسته‌های مختلف شیعیان یمن است که در طول سال‌های گذشته با بی‌اعتنایی دولت مرکزی مواجه بوده‌اند. این شرایط همچنین ضرورت اصلاحات لازم در سیاست‌های داخلی و خارجی یمن را دو چندان می‌سازد. چنانچه دولت یمن با درس گرفتن از تحولات اخیر در راستای اصلاح عملکرد گذشته خود گام بردارد می‌توان نسبت به بازگشت آرامش در این کشور خوشبین بود، در غیر این صورت یمن بستر تحولات و ناآرامی‌های سیاسی تازه‌ای خواهد بود.



منابع و مآخذ

1. Peter Alsis, Marissa Allison, and Anthony H. Cordesman, "US and Iranian Strategic Competition in the Gulf States and Yemen" CSIS, November 2011.
2. Anthony H. Cordesman, Robert M. Shelala II, and Omar Mohamed," Yemen and U. S. Security" CSIS, August 8, 2013.
3. Tobias Thiel," Yemen's Arab Spring: From Youth Revolution to Fragile Political Transition", http://www.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR011/FINAL_LSE_IDEAS__YemensArabSpring_Thiel.pdf
4. Mareike Transfeld , "Yemen: GCC Roadmap to Nowhere" SWP (Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs), May 2014.
۵. حمید نیکو، «بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلامگرایی در یمن» پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۱.
۶. سیدرضی عمادی، «بقای منصوره‌ادی و مشکلات نظام‌سازی در یمن» خبر و تفسیر برون‌مرزی، بهمن‌ماه ۱۳۹۲، news.irib.ir
7. <http://www.foreignaffairs.com>
8. <http://csis.org/>
9. <http://www.tebyan-tehran.ir/a.aspx?a=1391040501>
10. <http://www.inss.org.il/index.aspx?id=4538&articleid=2507>
11. <http://www.crisisgroup.org/en/publication-type/alerts/2011/yemen-23march11.aspx>
۱۲. دیدار «جمال بن‌عمر» با نمایندگان سلفی‌ها و حوثی‌ها، خبرگزاری فارس، ۲۷ مردادماه ۱۳۹۳.
۱۳. یمن؛ بیم‌ها و امیدهای عبور از دوره گذار، ابرار معاصر، ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲.
۱۴. هانی‌زاده، خبرگزاری ایسنا، ۱۷ شهریورماه ۱۳۹۳.
۱۵. خروج دو حزب مخالف از مذاکرات با دولت یمن، ۲۴ شهریورماه ۱۳۹۳، <http://javanonline.ir>
۱۶. نگاه جریان‌ها به رویکردهای شیعیان و جنبش انصارالله در یمن، ۱۳ اسفند ۱۳۹۲، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921212000244>



شماره مسلسل: ۱۳۹۲۸

مجلس شورای اسلامی
مرکز پژوهش‌ها

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحولات یمن؛ ریشه‌ها و روندها

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: امیرعلی ذوالفقاری

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. یمن

۲. حوثی‌ها

۳. مادی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۷/۲۲